

پیشگیری وضعی از جرایم جنسی در قرآن

□ عبدالرحیم جعفری دهنوی *

چکیده

گرایش مرد و زن به هم دیگر در نهاد بشری نهفته شده در صورتیکه به صورت درست هدایت نشود در قالب جرایم جنسی ظهور می‌کند، راهای برای تقلیل بخشی جرایم جنسی در آموزه‌های اسلامی وجود داشته که آمار جرم را در اجتماع به حد صفر تنزیل داده و یا کاهش آنرا شاهد خواهیم بود، این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی تبیین شده است که قرآنکرم به عنوان کلام وحی بیانگر آن آموزه‌ها است، نظارت و کنترل رسمی توسط نهاد دولتی در قالب زدودن محیط‌های مضر، جلوگیری از بیکاری و علنی انجام دادن بعضی از مجازات‌ها زیرچتر امر به معروف و نهی از منکر متبلور می‌گردد، نهاد غیررسمی را بدون انجام وظیفه رها نکرده بلکه به تسریع ازدواج، ساخت خانه‌ها به روش اسلامی و برنامه ریزی صحیح برای اوقات فرزندان را سفارش کرده است. کلیدواژه‌ها: قاعده، پیشگیری وضعی، جرایم جنسی، نظارت.

مقدمه

جرم و جنایت مخصوصاً جرایم جنسی با توجه به تمدن سازی و رو به پیشرفت جهان، ترقی و اشکال پیچیده‌تر را به خود می‌گیرد که برای زدودن جرم و کاهش آن تدبیر جدید را خواستار است مخصوصاً اینکه جوامع غربی تلاش دارد تا جرم و جنایت جنسی در دول اسلامی افزایش پیدا نموده تا اعتقادات جوانان ما را با آلوده کردن آنان به شوره زار جنسی تقلیل و یا بی‌باور سازند، این تحقیق با توجه به آموزه‌های اسلامی، قرانکریم را به عنوان منجی حی انتخاب نموده تا در پرتو شعله‌های روشن آن بتواند شمع خاموش را روشن نموده و در روشنایی آن و بیناسازی چشم‌های خفته و قلب‌های شکسته، جرایم جنسی را تقلیل بخشد که تحقیقات دیگری در این راستا هم صورت گرفته است اما آنها به آموزه‌های اسلامی به طور اعم پرداخته و ما را فقط در جهت دهی کمک و یاری می‌رساند بدون اینکه بخش نظارت و کنترل رسمی و غیررسمی را با توجه به قرانکریم بیان کند.

مبحث اول: مفاهیم

۱. پیشگیری وضعی

یکی از روش‌های موثر پیشگیری از جرم، پیشگیری وضعی است که تعاریف متفاوت از پیشگیری وضعی صورت گرفته است به طور نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

پیشگیری در لغت به معنای دفع و منع آمده است (دهخدا ذیل واژه پیشگیری) در اصطلاح نظریه پیشگیری وضعی به یک روش خاص اشاره دارد که هدف آن متعالی کردن جامعه و نهادهای آن نیست بلکه به طور ساده بر کاهش دادن فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تکیه دارد (صفاری، ۲۹۱).

همچنین در تعریف پیشگیری وضعی گفته شده است:

پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم درصدد آن است از طریق کاهش جذابیت آماج و جاذبه زدایی از آن وضعیت پیش جنایی آمار جرائم را مهار کند (نجفی ایرند آبادی، ۱۴).

در تعریف دیگر پیشگیری وضعی به تغییر وضعیت، اوضاع و احوال به گونه‌ای که از به فعل درآمدن اندیشه مجرمانه جلوگیری کند تعریف شده است که به مصداق آن از قبیل حضور نیروی انتظامی در مناطق جرم خیز و آموزش افراد در مظان بزه‌دیدی برای محافظت از خود اشاره شده است (محمدی جوهرکویه، ۹).

در منابع اسلامی از پیشگیری وضعی به نام «دفع منکر» یاد شده است که فقهای اسلامی تعاریفی را از پیشگیری وضعی و دفع منکر ارائه داده‌اند

مرحوم آیت الله خویی به تعریف دفع منکر پرداخته اما فقها دیگر به ذکر مثال بسنده کرده است در تعریف دفع منکر گفته شده است:

فان معنى دفع المنکر هو تعجیز فاعله عن الاتیان به وایجاد فی الخارج سواء ارتدع باختياره او لم یرتدع والنهی عن المنکر لیس الا ردع الفاعل وزجره عنه علی مراتبه المقرره الشرعیه (خویی، ۱۸۱)

معنای دفع منکر ناتوان کردن مرتکب از انجام عمل مجرمانه و ایجاد آن در خارج است خواه به اختیار خود دست از عمل مجرمانه بکشد یا از انجام عمل منصرف نشود در حالی که نهی از منکر چیزی جز منع کردن و بازداشتن طبق مراتب مقرر در شرع نیست.

در تعبیر دیگر آمده است: یمکن الاستدلال علی حرمة بیع الشیء ممن یعلم انه یرصرف المبیع فی الحرام بان دفع المنکر کرفعه واجب ولایتم الا بترک البیع (شیخ انصاری، ۱۵۷). امکان دارد در خصوص حرام بودن فروش کالا به کسی که آن را به مصرف غیر مجاز می‌رساند این گونه استدلال نماییم که دفع منکر «پیشگیری از جرم» مانند رفع آن واجب است و جز با ترک فروش آن کالا حاصل نمی‌شود.

۲. جرایم جنسی

جرایم جمع جرم و جرم به معنای گناه و جنایت آمده است (دهخدا ذیل واژه جرایم) در اصطلاح حقوقی به معنای عام کلمه فعل یا ترک فعل انسان است که جامعه آن را به دلیل اخلال در نظم اجتماعی به قید ضمانت اجرای کیفری منع کرده است (اردبیلی، ۲۵).

مبحث دوم: نظارت و کنترل رسمی (دولت)

دولت به عنوان پرچم دار برقراری عدالت با سرکوب کردن مجرمین در راستای عدالت اجتماعی و عدم تضییع شدن حق مظلوم خوانده شده است و این تضییع حق می‌تواند دارنده رکن مادی و معنوی باشد که دولت پاسبان بعد معنوی و مادی اجتماع است وظایف که دولت به عنوان پدر جامعه در پیشگیری وضعی از جرم جنسی عهده دار شود جرایم در زمینه کیفری هم تقلیل پیدا خواهد کرد، مواری که نقش مهم در روند پیشگیری وضعی از جرایم با توجه به کتاب وحی قرآن کریم ارائه می‌شود ذیلاً مرقوم می‌گردد:

۱. حضور فعال پلیس در اجتماع

بین جامعه و پلیس ارتباط وثیق در راستای پیشگیری از جرایم جنسی نهفته شده است، آنچه که در مرحله نخست متصور است نقش پلیس در راستای کیفری متبلور می‌گردد اما حضور فعال پلیس باعث می‌شود که جرم جنسی با توجه به موقعیت پلیس در جامعه به نفع بزه‌دیده جنسی و علیه متجاوز ختم شود، درباره نقش پلیس در جامعه آقای گسن نوشته است:

پژوهش سنجشی که در ایالات متحده آمریکا پیرامون میزان کارایی گشت‌های پلیس صورت گرفته منجر به این نتیجه شده که اگر بخواهیم کاهش محسوسی را در بزهکاری به دست آوریم باید گشت‌های پلیس را به نسبت‌های زیادی افزایش دهیم، به طوریکه بهای اقتصادی آن برای جامعه سریعاً تحمل ناپذیر می‌شود و از سوی دیگر زمانی که تغییر نظام گشت موجب کاهش بزهکاری در یک محله می‌گردد در واقع ما به یک کاهش حقیقی و قطعی بزهکاری دست نیافته‌ایم بلکه ممکن است فقط جابجا شدن بزهکاری در مکان یا در زمان یا در نهایت با جابجای یک نوع فعالیت‌های مجرمانه روبرو هستیم بدین ملاحظه می‌کنیم که نتایج پژوهش سنجشی تا چه اندازه با اظهارات مقامات پلیس که مسئول سازمان دهی اقدامات پیشگیری پلیسی از بزهکاری هستند عمیقاً متفاوت می‌باشد، البته تردیدی نیست که اگر جامعه پیشگیری پلیس را یکنواخت و هماهنگ در سراسر کشور اجرا کند مسئله جابجایی بزهکار نیز رخ نخواهد داد و از این جهت نیز جای نگرانی نیست (ریمون گیسون، ۳۱۰)

پلیس در سیاست جنایی اسلام به عنوان پدر اجتماعی مردم با توجه به داشتن صلاحیت بالا در راستای تبیین و عملی سازی امر به معروف و نهی از منکر باید در پیشگیری از جرم پیشگام باشد که خداوند متعال فرموده است:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران/ ۱۰۴) باید از بین شما افرادی باشد که مردم را
به خیر فراخواند و امر به خوبی ها نماید و از بدی ها بازدارد که چنین افرادی همان
رستگاران است.

امر به معروف و نهی از منکر مراتب دارد که مرحله ممانعت از جرایم جنسی اولاً ممکن است نیازمند قوه و قدرت باشد که افراد جامعه به هرنحوی نتواند ورود پیدا کند در صورت نداشتن قدرت و توانایی، بر قادر، امر به معروف و نهی از منکر واجب می گردد.

دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که اگر واجب باشد طبعاً واجب کفائی خواهد بود، چون بعد از آنکه فرضاً یکی از افراد اجتماع این امور را انجام داد، دیگر معنا ندارد که بر سایر افراد اجتماع نیز واجب باشد که همان کار را انجام دهند. پس اگر فرض کنیم، امتی هست که روی هم افرادش داعی به سوی خیر و امر به معروف و ناهی از منکرند، قهراً معنایش این خواهد بود که در این امت افرادی هستند که به این وظیفه قیام می کنند. پس مسئله در هر حال قائم به بعضی افراد جامعه است، نه به همه آنها و خطابی که این وظیفه را تشریع می کند، اگر متوجه همان بعضی باشد که هیچ و اگر متوجه کل جامعه باشد، باز هم به اعتبار بعض است (علامه طباطبائی ۵۷۸، ۳).

۲. زدودن محیط های اجتماعی مضر

دراستماع محیط های وجود دارد که به تشدید افزایی جرایم جنسی کمک می کند و باید تلاش صورت گیرد که چنین محیط کمتر جا باز کند و سدهای آماده شود که افراد نتواند وارد چنین فضای شود که نمونه های آن به طور جداگانه ذکر می شود:

الف) منع از بدحجابی

حجاب یکی از ارزش‌های مهم اسلامی است که زن‌ها به آن ملزم شده است، چون با فرو ریزی حجاب قدر و منزلت، دیگر ارزش‌ها هم فرو ریخته و ستون اصلی آنها می‌شکند و به یک درخت خشک شده مبدل می‌گردد تفاوت جسمی که بین مرد و زن وجود دارد بدین جهت تمام بدن زن عورت حساب شده است و در صورت نداشتن حجاب فساد رو به تزايد خواهد گذاشت، امروزه از بدن زن به عنوان فروش سریع کالا استفاده می‌شود و حتی تلاش می‌شود کارفرمایان برای فروش کالا به فروشنده خانم که دارنده جذابیت باشد اقدام می‌کند و هر قدر زن با آرایش غلیظ به این کار اقدام کند به همان میزان به جذب مشتری برای خرید کالا کمک می‌کند برای که جامعه اسلامی متوجه این خطر نباشد و قبل از وقوع جرایم جنسی، حجاب را به عنوان پیشگیری از جرم مطرح کرده و افراد را ملزم به آن کرده است چنان که امیرالمومنین به فرزندش امام حسن مجتبی می‌فرماید: **وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ اِيَاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ اَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوَثِّقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ** (نهج البلاغه، ۴۰۵) با حجاب و پوشش بانوان آنها را بپوشان زیرا رعایت حجاب به طور جدی و محکم زنان به طور سالم تر و پاک تر حفظ خواهد شد.

خداوند متعال فرموده است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً (احزاب

۵۹) ای پیامبر! به همسرانت، و دخترانت و زنان مؤمنین، بگو تا جلباب خود پیش

بکشند، بدین وسیله بهتر معلوم می‌شود که زن مسلمانند، در نتیجه اذیت

نمی‌بینند، و خدا همواره آمرزنده رحیم است.

از معصوم نقل کرده که فرموده: سبب نزول این آیه چنین بود، که زنان از خانه بیرون می‌شدند تا به مسجد آیند، و دنبال رسول خدا ﷺ نماز بخوانند، و چون شب می‌شد، و زنان برای نماز مغرب و عشاء بیرون می‌آمدند، جوانان سر راه آنان می‌نشستند، و متعرض ایشان می‌شدند، خدای تعالی این آیه را نازل فرمود (علامه طباطبایی، ۵۱۷، ۱۶).

در آیه دیگر خداوند متعال فرموده است: **وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ**

بِحُمْرِهِنَّ عَلَى جُوبِهِنَّ (نور/۳۱) زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند و اطراف روسری خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانیده شود) (امر دلالت بر وجوب دارد که ماده و لیضرب به آن اشاره دارد و این امر درگام نخست بر پدر و مادر است که امر به این مسئله محقق شود اما در صورت عدم پوشش اسلامی دولت موظف است که از آن جلوگیری نماید.

در ممالک غیر اسلامی که نقش حجاب در آن جا رنگ باخته است هم به این اصل تاکید شده است، یکی از رؤسای پلیس نیورک گفته است پلیس به زنان نمی گوید چه چیزی را نپوشند بلکه پلیس تنها به این زنان می گوید که افراد متجاوز بیشتر به زنانی حمله کرده اند که دامن های کوتاه و لباس نامناسب به تن داشته اند (روزنامه ابتکار شماره ۲۱۵۳)، زمانی فردی می تواند حجاب را اختیاری بداند که در فضایی خانه خودش و در جای که تنها خودش زندگی می کند از حجاب اختیاری حرف زند، وقتی که وارد اجتماع می شود نمی تواند حجاب را کنار گذاشته و به علت اختیار و مختار بودنش از آن شانه خالی کند چون در صورت که فرد وارد اجتماع می گردد دیگر تنها ایشان نیست بلکه حق دیگران هم مطرح می گردد و برای که حق دیگران ضایع نگردد ملزم به پوشش اسلامی در جامعه اسلامی است با وجودی که در جمهوری اسلامی ایران، قانون هم شده است و تبصره ماده ۶۳۸ متضمن این امر است.

ب) جلوگیری از بیکاری

کار در اسلام ارزش مهم داشته و تاکید زیادی به آن صورت گرفته است، بیکاری و بیکار بودن مذمت شده است، در صورت که نفس بشری به چیزی مشغول و مصروف نباشد نفس به خودش مصروف می کند که مشغولیت نفس جز معصیت و گناه نخواهد بود.

در زمینه کار و مدح کارگر در قرآن در جاهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته است که بیانگر اهمیت کار و تلاش است خداوند متعال می فرماید «وان لیس للانسان الا ماسعی» (نجم/۳۹) هر فرد به اندازه تلاش و فعالیت که داشته است می تواند به مطلوبش برسد در صورت که مطلوب فرد حد اعلی از خوشبختی اعم از اخروی و دنیوی باشد بدون تلاش وافر میسر

نخواهد بود، فردی که عمر را به بطالت و بیکاری می گذرانند جز شقاوت و بدبختی هم یار و یاور شیطان بودن چیزی دیگر نصیبش نخواهد خواهد، قرین وهم یار بودن شیطان، فرد را در منجلاب جرایم غرق خواهد کرد.

در جای دیگر خداوند متعال فرموده است: فاذا فرغت فانصب زمانی که از یک کاری فارغ شدی به کار دیگر مشغول شود گرچند عده‌ای از مفسیرین آنرا به واجبات و مستحبات محصور کرده در صورتیکه از نماز واجب فارغ شدی به مستحبات پرداز (علامه طباطبایی، ۵۳۵، ۲۰) اما این مطلب را می‌رساند که نباید بیکار بنشینی، مشغولیت و مصروف بودن مورد توجه خداوند متعال است.

پیامبر اکرم ﷺ از خداوند متعال طلب ارزانی کوشایی را می‌کند تا در بدل آن سستی تنبلی، ناتوانی را دور سازد (ری شهری، ۵۱۸۴، ۱۱).

بدین منظور دولت به عنوان مقام رسمی برای جلوگیری از بیکاری و کارآفرینی زمینه مساعد را برای اقشار ملی بخصوص جوانان فراهم سازد تا جوانان کمتر به دام آلودگی جنسی از طریق بیکاری رو آورند.

برای تاثیر بیکاری به تزاید جرایم جنسی می‌توان تنها به این مطلب بسنده کرد: دو فردی در خانه‌ای مواد مخدر مصرف کردند و حدود ساعت سه بعد از ظهر بود که مشروب خوردند همین طور بی هدف در خیابان‌ها پرسه می‌زدند با دیدن یک دختر جوان تصمیم به سوار کردن او داخل ماشین و اذیت آزار جنسی می‌گیرند ... (سایت تابناک، ۱۳۸۸)

ج) جلوگیری از ایجاد انگیزه مجرمانه در افراد

یکی از شروط که در حد جاری کردن مرد و زن زنا کار لازم است اقامه حد بر آنها است که باید در دید عده‌ای از افراد باشد و این مسئله می‌تواند کمک کند برای پیشگیری از جرایم جنسی و یکی از فلسفه آن می‌تواند برای جلوگیری از ادامه و گسترش چنین شنیعه باشد که در انجام چنین عمل و اقامه حد نباید مهربانی و الطاف به خرج داد چنان که خداوند متعال فرموده است:

الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنْ

الْمُؤْمِنِينَ (نور/۲)، باید شما مؤمنان هر يك از زنان و مردان زناكار را به صد تازیانه مجازات و تنبيه كنید و هرگز در باره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و باید عذاب آن بدكاران را جمعی از مؤمنان مشاهده كنند.

در جرایم جنسی که تعزیر برای آن تعریف شده است می‌بایست جزای سنگین وضع شود تا افرادی نتواند این جرم را بیشتر مرتكب شود، در جامعه امروز چون پول و ثروت نقش اول را دارد در صورت که به جزای نقدی سنگین محكوم شود قوت بازدارندگی را افزایش می‌دهد و کمتر در جامعه شاهد جرایم جنسی خواهیم بود.

د) کنترل دسترسی به وسائل تسهیل کننده جرم

افرادی که اندیشه مجرمانه دارند و حالت خطرناک را در جامعه اتخاذ کرده است باید از طریق عدم دسترسی وسائل تسهیل کننده از اندیشه او جلوگیری کرد و یکی از چیزهای که در تشدید جرایم جنسی نقش دارد اینترنت است که جوانان با مشاهده فیلم‌های مبتذل به جرایم جنسی رو می‌آورند که حتی انتشار فیلم‌های مستهجن، غیر اخلاقی و امکان دسترسی جوانان و نوجوانان به چنین ویدئوهای صدای مخالفت کشورهای اروپایی را در آورده است. (محسنی، شبکه اطلاعاتی اینترنت، ۲۲-۲۷)

افرادی که به تماشای ماهواره مستهجن نشسته اندیشه تجاوز جنسی افزایش پیدا میکند و برای خاموش و فرونشاندن شهوت اقدام به چنین عمل شنیع می‌نماید، یکی از متجاوزان به عنف در اعترافات خود گفته است: روز حادثه وقتی زن جوان را در کنار خیابان خلوت دیدم با توجه به تاثیری که ماهواره و فیلم‌های مستهجن روی من گذاشته بود تصمیم به ربودن و آزار واذیت وی گرفتم (سایت تابناک، ۱۳۸۷).

مبحث سوم: نظارت و کنترل غیررسمی

این نوع نظارت توسط توده مردم اعم از خانواده و اقشار ملی صورت می‌گیرد که نقش مهم را از میان این اقشار خانواده به دوش حمل می‌کند و تاثیر فزاینده درکاهش و تقلیل بخشی جرایم جنسی

دارد که با ساخت و تربیت درست خانواده شاهد مسولیت کمترگذاشتن به مقام رسمی می باشد مسائل وجودی دارد که به خانواده محول شده که ذیلاً مرقوم آن نبشته می شود به این معنا نیست که محصور به این ها باشد بلکه اهم و تاثیر فزاینده را می توان در این ها ملاحظه کرد:

۱. نوع ساخت منازل مسکونی

نوع ساخت منازل در تقلیلی بخشی جرایم جنسی تاثیر دارد، آنچه که ساخت خانه ها و منازل را از منازل غیراسلامی تفکیک می کند ایجاد روابط، حد و مرز تعریف نکردن برای محرم و غیرمحرم است اما سبک ساخت منازل اسلامی باید این حریم که عبارت از مرزشناسی بین محرم و غیر محرم است مراعات شود، در صورت که فضا و زمینه برای اختلاط اجنبی در خانه فراهم شود چون تخم و بزر آن درخانه کاشته شده ساقه و شاخه آن به بیرون ازخانه هم کشیده خواهد شد، خانه های که ساخته می شود آشپزخانه و اطاق نشیمنند که خانم ها در آن است جدا ساخته شود، حد و مرز بین محرم و غیر محرم کشید و موانع را ایجاد کرد برای صمیمی شدن غیر محرم، قرانکریم داستان ورود ملائیکه های الهی را نقل می کند که برای بشارتی داخل خانه حضرت ابراهیم شد که حضرت ابراهیم برای تهیه غذا و آماده کردن آن به طور پنهانی از نزد مهمانان بیرون شد و نزد عیالش رفت "فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ" (ذاریات/۲۶) "کلمه" روغ" که مصدر فعل ماضی "راغ" است - به طوری که راغب گفته به معنای این است که انسان طوری از حضور حاضران برود که نفهمند برای چه می رود، خلاصه با نوعی حيله برود. دیگران گفته اند به معنای رفتن پنهانی است. ولی برگشت معنای اولی هم به همان معنای دوم است (علامه طباطبایی، ۱۸، ۵۶۷) یکی از مباحث که در علم اصول مطرح است حجیت سیره انبیاء است از این آیه مبارکه استفاده می شود که آشپزخانه که همیشه خانم خانه در آنجا است جدا گانه ساخته شده که حضرت ابراهیم به طور پنهانی رفته است پس اگر به طور وجوب دلالت بر جدا بودن آشپزخانه نکند استحباب را می توان از آیه مبارکه استنباط کرد یا در آیه دیگر خداوند متعال می فرماید: يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا

مَعْرُوفًا وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى (احزاب، ۳۲-۳۳) خطاب به زنان پیامبر است اما محصور به آنها نیست همه زن‌ها را شامل می‌شود ای زنان پیامبر شما مثل زنان دیگر نیستید اگر تقوا پیشه کنید با ناز و صدا درآوردن خاص با مردان حرف نزنید نکند آنکه دچار مرض است به شما طمع کند و به طور عادی و متعارف صحبت کنید در باره «قرن فی بیوتکن...» گفته شده است:

کلمه "قرن" امر از ماده "قر" است، که به معنای پا بر جا شدن است، و اصل این کلمه "اقررن" بوده، که یکی از دو تا "راء" آن حذف شده است، ممکن هم هست از ماده "قار، یقار" به معنای اجتماع، و کنایه از ثابت ماندن در خانه‌ها باشد، و مراد این باشد که ای زنان پیغمبر! از خانه‌های خود بیرون نیایید.

و کلمه "تبرج" به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است، همان طور که برج قلعه برای همه هویدا است، و کلمه "جاهلیة اولی" به معنای جاهلیت قبل از بعثت است، پس در نتیجه مراد از آن، جاهلیت قدیم است (علامه طباطبائی، ۱۶، ۴۶۲) در صورت که کنایه از ثابت ماندن در خانه باشد پس در صورت که اختلاط زن و مرد نامحرم در خانه فراهم باشد چه نیاز به بیرون رفتن است و این منع شامل خانه هم می‌شود پس در نتیجه خانه‌ها هم نباید محل اختلاط زن و مرد نامحرم باشد و باید در چهارچوب اسلامی بنا شود.

همچنین قرآن کریم از داستان دختران حضرت شعیب یاد کرده است:

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصْدِرَ الرَّعَاءُ وَابْنُ شَيْخٍ كَبِيرٍ

(قصص/۲۳) و چون به آب مدین رسید مردمی را دید که از چاه آب می‌کشند و در طرف دیگر دور از مردم دو نفر زن را دید که گوسفندان را از اینکه مخلوط با سایر گوسفندان شوند جلوگیری می‌کردند، موسی پرسید چرا ایستاده‌اید؟ گفتند: ما آب نمی‌کشیم تا آنکه چوپانها گوسفندان خود را ببرند، و پدر ما پیری سالخورده است.

در صورتی که در بیرون از خانه بین زن و مرد نامحرم باید حد و مرز تعریف کرد، نباید در خانه این حریم در قالب جداکردن اطاق نشیمن زن و مرد ظهور کند؟.

۲. تسریع ازدواج

بخش تبیین ارزش‌های ازدواج و سوق دهی افراد به سمت این ارزش، مربوط بازپروری اجتماعی می‌گردد اما موانع ایجاد کردن توسط ازدواج و اقدام عملی در راستای تحقق بخشی ازدواج بازپروری وضعی است، ازدواج سد و مانع است که جرایم جنسی را در جامعه تقلیل بخشد، ازدواج به دو دسته تقسیم شده است: ازدواج دائم و ازدواج موقت، افرادی که توانایی ازدواج دایم را ندارد به ازدواج موقت سفارش و تاکید شده چون نیروی شهوانی بالاترین نیرو در وجود انسانی است، در صورتی که راهای مشروع مسدود گردد ناچار به دنبال جرایم جنسی خواهد رفت که این جرایم جنسی در تجاوز به عنف، زنا و یا چیزهای دیگر متبلور می‌گردد درباره تحقق بخشی ازدواج خداوند متعال می‌فرماید:

وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ
يَغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور/۳۲) دختران و پسران و غلامان و کنیزان
عزب خود را اگر شایستگی دارند نکاح نمایید که اگر تنگدست باشند خدا از کرم خویش
توانگرشان کند که خدا وسعت بخش و دانا است.

کلمه "انکاح" به معنای تزویج، و کلمه "ایامی" جمع "ایم" به فتحه همزه و کسره یاء و تشدید آن - به معنای پسر عزب و دختر عزب است، و گاهی به دختران عزب ایمه هم می‌گویند و مراد از "صالحین" صالح برای تزویج است، نه صالح در اعمال. "إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يَغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ" - و عده جمیل و نیکویی است که خدای تعالی داده، مبنی بر اینکه از فقر نترسند که خدا ایشان را بی نیاز می‌کند و وسعت رزق می‌دهد، و آن را با جمله "وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ" تاکید کرده البته رزق هر کس تابع صلاحیت او است، هر چه بیشتر بیشتر، البته به شرطی که مشیت خدا هم تعلق گرفته باشد (علامه طباطبایی، ۱۵۷، ۱۵).
فردی که به گناه می‌افتد واجب است که ازدواج کند حتی تاجایی که نیاز به بیشتر از یکی دارد تحصیل کند برای تکثیر و تولید نسل و برای نخلطیدن به گناه است (نجفی، ۳۵، ۲۹).

از پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ
فَسَادٌ كَبِيرٌ (کلینی، ۳۲۸، ۵) فردی که برای خواستگاری می‌آید با داشتن خلق نیکو و

دیندار بودن ازدواج را انجام ندهد فتنه و فساد به وجود می‌آید که این فتنه و فساد در قالب جرایم جنسی برز و ظهور پیدا خواهد کرد.

ازدواج موقت برای بازپروری وضعی تشریح شده است که خداوند متعال می‌فرماید:

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَايَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (نساء/۲۴) و اگر زنی را متعه کردید -

یعنی با او قرارداد کردید در فلان مدت از او کام گرفته و فلان مقدار اجرت (به او) بدهید، - واجب است اجرتشان راپردازید، و بعد از معین شدن مهر، اگر به کمتر یا زیاده‌تر توافق کنید گناهی بر شما نیست، که خدا دانایی فرزانه است.

خداوند متعال پرداخت مهر را در این آیه مبارکه مشروط به استمتاع کرده است بیانگر عقد موقت است چون در عقد دائم به مجرد اینکه علقه زوجیت بسته شد و عقد خوانده شود باید زوج نصف مهر را بدون استمتاع و تلذذ به زوجه بپردازد (طبرسی، ۵۲، ۳).

فردی که با خود استمنا کرده بود نزد حضرت امیر علیه السلام آوردند امام او را تعزیر کرد با هزینه بیت المال برایش زن گرفت (کلینی، ۲۶۵، ۷) با توجه به این روایت و آیات قبل می‌توان به این نتیجه رسید که ازدواج سد و مانع است برای افزون شدن جرایم جنسی.

۳. برنامه ریزی صحیح برای اوقات

نظم و برنامه ریزی سهم مهم در پیشرفت و دور شدن از جرایم مخصوصاً جرایم جنسی دارد، فردی که دارنده برنامه منظم است ذهن متمرکز به آن سمت سو می‌گردد دیگر فرصت برای پرواندن فکر و اندیشه جرم باقی نمی‌ماند، چون جرایم زمانی تحقق پیدا می‌کند که در مرحله نخست فکر و اندیشه مجرمانه شکل گیرد.

در قران گرچند تشویق و ترغیب به برنامه منظم نیامده است اما در موارد مختلف خداوند متعال از نظم و انضباط سخن به میان آورده است حکم‌فرمایی نظم و انضباط را نشانه خداوند واحد دانسته است و خدایان دیگر را نفی کرده است با وجود خدایان دیگر بی انضباطی و سردرگمی در جهان مستولی می‌گردید (انبیاء/۲۲).

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ أَيْ: خَلَقْنَا كُلَّ شَيْءٍ مُقَدَّرًا محکماً مرتباً علی حسب ما

اقتضت الحکمة (زمخشری، ۴۴۱). هرچیز به اندازه و مرتب براساس حکمت خلق شده است. با توجه به حرف زدن قرآن در راستای اینکه خلقت و همه اشیاء براساس نظم پابرجا است ما هم می‌توانیم براساس نظم مسیر درست را بپیمایم که این نظم باعث می‌شود فرصت برای اندیشه گناه و بعد آن اجرا سازی آن باقی نماند.

۴. توقف زنان در خانه

وجود زن دارنده ظرافت و طراوت است که با کوچک ترین ضربه و باد زدگی ترگ برمی‌دارد، معمولاً کاری شاقه مربوط بیرون است که مرد چون دارنده توانایی بیشتر و مقاومت افزون‌تر است می‌تواند به خوبی آنرا حمل کند اما کاری درون خانه که دارنده ظرافت، لطافت و خواستار صبر و عاطفه است مخصوصاً تربیت فرزند که هیچ مرد توان برای چنین کاری را ندارد خانم خانه می‌تواند به خوبی آنرا به دوش کشیده و حمل سازد خداوند متعال می‌فرماید: **وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى** (احزاب/۳۳) در خانه‌های خود بنشینید، و چون زنان جاهلیت نخست خود نمایی نکنید.

توقف زنان در خانه زمینه مساعد از افزایش جرایم جنسی را سلب می‌کند چون یکی از علت‌های که جرایم جنسی به وجود می‌آید آرایش زنان و ظاهر شدن در مجامع عمومی است که افرادی به دل مرض دارد به طمع می‌افتد و ناچار اقدام به جرایم جنسی می‌نماید.

در صورتی که توقف زنان بیشتر در خانه صورت گیرد پرهیز از تبرج که خود پیشگیری وضعی است می‌تواند کمتر صورت گیرد **وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى** یعنی بیرون نیائید بنا بر عادت زنان جاهلیت نخستین و ظاهر نکنید زر و زیور خود را چنانچه زنان جاهلیت میکردند. قتاده و مجاهد گویند: تبرج به معنای تبختر و خودنمایی در راه رفتن است. مقاتل گوید: تبرج اینست که روسری خود را بر سرش اندازد ولی آن را نبندد که گلوبند و گوشواره‌اش مستور دارد، پس اینها ظاهر گردد (طبرسی، ۱۰۸، ۲۰).

۵. مراقبت والدین

والدین به عنوان پایه و ستون اصلی جامعه در تقلیل بخشی جرایم نقش بارز دارد، در صورتی که

والدین دارنده مزایای نیکو و سنجایای پسندیده و عالی باشد فرزند به تبع آنها هم بخشی از اخلاق نیکو و شجاعت دینی و مروت خانوادگی را به ارث خواهد برد، والدین که در منجلا ب گناه و جرم غرق و از چشمه سار حرام تغذیه و از حوض آلوده، شرب کرده باشد نباید انتظار جامعه فاضله و مزین به اخلاق حسنه را داشته باشیم، به همان اندازه که والدین جرایم را به دوش حمل می کنند و در قبال آن پاسخ گویی تام را دارد، فرزندان که در دامن والدین رشد می کنند هم جواب جرایم فرزندان را باید تدارک بیند هم چنان که خداوند متعال می فرماید «قوا انفسکم واهلیکم نارا (تحریم ۶/۶)» باید مراقبت والدین در محیط خانوادگی، محیط بیرون، محیط مدرسه، دانشگاه و محیط کاراز فرزندان صورت گیرد در محیط خانوادگی: عدم اختلاط زن و مرد، برنامه ریزی صحیح در اوقات فراغت و استفاده درست از انترنت را می توان بیان کرد، در محیط بیرون: کمک کردن در روش انتخاب دوست، مراقبت از رفت و آمد و تنظیم اوقات خارج شدن و داخل شدن منزل هم چنین در محیط مدرسه و دانشگاه رفاقت و مدیریت درس ها را می توان بیان کرد در محیط کار هم نوعیت کار می تواند دخیل در تقلیل بخشی جرم و یا افزایش آن کمک کند .

۶. دفاع شخصی

دفاع یکی از مسائل مهم برای تحکیم عدالت و در جامعه است که با دفاع کردن شخص می تواند خودش را از خطرات احتمالی و یا قطعی که او را تهدید می کند جان سالم برد و یا فردی که قصد تعرض به جان و یا عرض را دارد که این تعرض مسمی به جرایم جنسی باشد از خودش خطرات را دفع کند در صورتیکه ما در جامعه زندگی می کنیم و به چیزهای نیاز داریم و زمانی می توانیم زندگی سرشار از خوشی و خوبی داشته باشیم که چیزهای را که به ما تعلق دارد آنرا به مخاطره اندازد، برای که بتوانیم چتر امنیت را باز کنیم به وسیله و آلت شرعی و قانونی بنام دفاع ضرورت داریم تا در پرتو آن به خواست مادی و معنوی خویش نایل آیم و از این طریق فردی که قصد تجاوز و هتک حرمت را دارد با دفاع از خودش نگذارد این جرم به سرانجام برسد.

دلایل جواز دفاع مشروع در فقه همان ادله اربع یعنی کتاب سنت عقل و اجماع است که در حقوق به عنوان منابع از آنها یاد می کنیم اما مبانی دفاع مشروع همان فلسفه یا حکمت

تشریع این حکم است که باید از خلال منابع یادشده بدان دست یافت طبیعی است سخن فقهای اسلامی که در کتابهای فقهی آمده نیز بیانگر همین مبانی است در قرآن کریم آیه‌ای تحت عنوان دفاع مشروع نداریم اما آیات فراوانی وجود دارند که به نحو عام مجوز دفاع مشروع است (الف) الشهر الحرام بالشهر الحرام والحرمات قصاص فمن اعتدى عليك فاعتدو عليه بمثل ما عا اعتدى عليك واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقين (بقره/۱۹۴) (ماه حرام در برابر ماه حرام) اگر دشمنان احترام آن را شکستند و در آن با شما جنگیدند شما نیز حق دارید مقابل به مثل کنید (و تمام حرام‌ها قابل قصاص است و به طور کلی هرکسی به شما تجاوز کرد همانند آن بر او تعدی کنید و از خدا پروا کنید یعنی زیاده روی نکنید و بدانید خدا با پرهیزکاران است).

برای مشروعیت مطلق دفاع به دو قسمت آیه می‌توان استدلال کرد (والحرمات قصاص) (این قسمت از آیه به طور مستقل بر مشروعیت دفاع دلالت دارد این جمله از دو کلمه تشکیل شده حرمت و قصاص کیفیت استدلال به آیه منوط به روشن شدن این دو کلمه است مرحوم طبرسی نوشته است حرمت جمع حرمت است و حرمت به چیزی گویند که حفظ و حراست آن لازم و بی‌احترامی به آن حرام است (طبرسی، ۵۱۳، ۲) علامه طباطبایی نوشته است حرمت چیزی است که بی‌احترامی به آن حرام و تکریم آن لازم است و منظور از حرمت حرمت ماه حرام و حرمت و حرمت مسجد الحرام است (علامه طباطبایی، ۱۹۲، ۱) بروسوی نیز نوشته است: قصاص آن است که با انسان همان کاری را کنند که او با دیگران کرده است (حقی بروسوی، ۲۸۳، ۱)، «فمن اعتدى عليك فاعتدو عليه بمثل ما عتدى عليك» این جمله قسمت دوم آیه و متفرع بر جمله قبل است و استنتاج شده از آن است در عین حال خود این جمله نیز به طور مستقل بر قاعده کلی مقابله به مثل دلالت دارد و شکی نیست که همه انواع دفاع از مصداق‌های روشن مقابله به مثل است هم چنین آیات دیگری در قرآن است که نیز به طور ضمنی بیانگر دفاع مشروع است مثل این آیات «وان عاقبتهم فعاقبو بمثل ما عوقبتهم به ولئن صبرتم لهو خیر للصابرین» (نحل/۱۲۶) هرگاه خواستید مجازات کنید تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید و اگر شکیبایی کنید این کار برای شکیبایان بهتر است، اگرچه این آیه در مقام بیان تساوی در مقابله به مثل است اما لازمه آن قبول اصل مقابله به مثل نیز است و برای جواز دفاع کافی است.

ج) جزاء السیئه سیئه مثلها (شوری/۴۰) در تفسیر المیزان در باره این آیه آمده است که این آیه حکم مظلوم را که طلب یاری می کند بیان می نماید که چنین کسی درانتصار خود می تواند در مقابل ستمگر رفتاری چون او داشته باشد و چنین تلافی ظلم نیست (علامه طباطبائی، ۱۸، ۱۰۱)

۷. کنترل مردمی

یکی از وظایف که به دوش توده مردم گذاشته شده است نظارت و کنترل دسته جمعی است که می توان از آن به نظارت مردمی یاد کرد، نقش این نوع نظارت اساسی تر و کامل تراست نسبت به کنترل و نظارت که یاد شد، چون در صورت که همه دست به دست هم دهیم و موانع و سدهای فرا روی مجرمین جنسی قراردهیم بیشتر می توان به نتیجه رسید که در زبان قرآن و روایات از آن به امر به معروف و نهی از منکر یاد می شود:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران / ۱۰۴) باید دسته ای از شما باشند که به نیکی

بخوانند و امر بمعروف و نهی از منکر کنند آنها را که رستگارانند و مانند کسانی که پس از آنکه حجتها و نشانه های «هدایت» بر ایشان فرستاده شده اختلاف و پراکندگی پیش گرفتند نباشید و آنها را عذابی بزرگ در پیش است.

معروف چیزی است که حسن و نیکی آن از نظر شرع و عقل شناخته و معلوم است و منکر چیزی است که عقل و شرع آن را بد شمارد. این معنی در واقع به معنای اول برمی گردد (طبرسی، ۴، ۱۹۳)

نتیجه

پیشگیری وضعی از جرایم جنسی را می تواند دو نهاد رسمی و غیر رسمی به عهده گیرد که نهاد رسمی همراه با حضور فعال پلیس در اجتماع، و زدودن محیط های اجتماعی مضر در قالب زدودن محیط های اجتماعی مضر، کنترل دسترسی به وسائل تسهیل کننده جرم، جلوگیری از ایجاد انگیزه مجرمانه در افراد، جلوگیری از بیکاری، و منع از بد حجابی نگاشت اما نظارت و کنترل غیررسمی را در چارچوب نوع ساخت منازل مسکونی، تسریع در امر ازدواج، برنامه ریزی صحیح برای اوقات، توقف زنان در خانه، کنترل مردمی، مراقبت والدین و دفاع شخصی می توان تبیین کرد.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، چاپ چهل هشتم، بنیاد حقوقی میزان، پاییز ۱۳۹۵
- انصاری، مرتضی، المکاسب، قم، انتشارات باقری، ۱۴۱۸ق
- حقی بروسوی، اسماعیل، نشر: دارالکفر، بیروت، بی تا.
- خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، انتشارات غدیر چاپ سوم ۱۳۷۱ش
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۶ چ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- روزنامه ابتکار، جنجال اجرای طح امنیت اخلاقی در امریکا، شماره ۲۱۵۳، شنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۹۰.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق التنزیل غوامض التنزیل، انتشار دارالکتاب العربی، بیروت ۱۴۰۷ق.
- سایت تابناک (www.tabnak.ir)، دستگیری زن شیطان صفت در بوشهر، کدخبر: ۳۳۲۲۹، ۲۹دی، ۱۳۸۷.
- سایت تابناک (www.tabnak.ir) (اعتراف سه دوست به قتل یک دختر فریب خورده، کدخبر ۳۷۴۴۰۱، آذر ۱۳۸۸.
- صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۴-۳۳ طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه المیزان: سید محمد باقر موسوی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشار ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ق.
- گیسون ریمون جرم شناسی کاربردی ترجمه مهدی کی نیا، تهران، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۳۷۰
- محمدی جورکویه، علی، بررسی جرم شناختی جرایم جنسی، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵
- محسنی، منوچهر، شبکه اطلاعات اینترنت، ویژگی ها و تاثیرات اجتماعی - فرهنگی، فصلنامه رسانه، ش ۱ بهار ۱۳۷۵.

نجفی ایرندآبادی، علی حسین، بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوقی دانشگاه شیعه بهشتی ش ۱۱۹-۲۰

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، ۱۳۶۲ ش.

